



مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در مدیریت بحران‌های سیاسی (تحلیل جامعه‌شناختی)

هادی رجبی^۱

چکیده:

مشارکت سیاسی یکی از عوامل کلیدی در تحولات سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رخداد‌های سیاسی قرن بیستم، بر پایه مشارکت گسترده مردم شکل گرفت. این مشارکت در جریان انقلاب و پس از آن در مدیریت بحران‌های سیاسی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نقش اساسی ایفا کرده است. این پژوهش با سؤال اصلی «چگونه مشارکت سیاسی مردم در انقلاب اسلامی ایران توانست بحران‌های سیاسی را مدیریت کند؟» به بررسی فرضیه‌ای می‌پردازد که معتقد است مشارکت مردم، به‌واسطه رهبری امام خمینی(ره)، موجب مدیریت موفق بحران‌ها و نهادهای ساز نظام جدید شده است. مطالعه به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تحلیل کیفی تاریخی انجام شده است. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی گردآوری و با نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی تحلیل شده‌اند. این روش امکان بررسی مشارکت سیاسی مردم در چارچوب مفاهیم اجتماعی و تاریخی را فراهم کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در دوران پهلوی، انسداد سیاسی و سرکوب آزادی‌ها موجب بسیج غیررسمی شد. در سال‌های منتهی به انقلاب، مشارکت سیاسی به جنبشی گسترده تبدیل شد که با رهبری امام خمینی(ره) به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. پس از پیروزی، این مشارکت در فرآیندهایی مانند همه‌پرسی، انتخابات و دفاع مقدس ادامه یافت و موجب تثبیت نظام جمهوری اسلامی، تقویت مشروعیت و انسجام ملی گردید. این مشارکت، الگویی پایدار برای مدیریت بحران‌های داخلی و خارجی ایجاد کرده است.

واژگان اصلی: امام خمینی(ره)، انقلاب اسلامی، بحران‌های سیاسی، بسیج اجتماعی، مشارکت سیاسی، نظام جمهوری اسلامی.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

مشارکت سیاسی یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در تحولات اجتماعی و سیاسی نقش محوری ایفا می‌کند. این مفهوم، به معنای دخالت فعالانه مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت سیاسی، ابزاری برای شکل‌دهی به قدرت اجتماعی و اصلاح ساختارهای موجود است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای سیاسی-اجتماعی قرن بیستم، بر پایه مشارکت وسیع و ارادی مردم به وقوع پیوست. با این حال، هنوز به‌طور دقیق مشخص نشده است که این مشارکت سیاسی چگونه توانسته است در مدیریت بحران‌های متعدد، به‌ویژه در شرایط انقلاب و دوره‌های پس از آن، نقش‌آفرینی کند. در آستانه انقلاب اسلامی ایران، جامعه با بحران‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کرد: بحران مشروعیت نظام پهلوی، نابرابری‌های اجتماعی، وابستگی اقتصادی و انسداد سیاسی، جامعه را به نقطه‌ای بحرانی رسانده بود که کنش‌های جمعی به‌عنوان واکنشی به این وضعیت شکل گرفت. مردم، از طریق مشارکت سیاسی گسترده، نه تنها رژیم پهلوی را به چالش کشیدند، بلکه به‌طور فعالانه در فرآیند بازسازی نظام سیاسی جدید نیز ایفای نقش کردند. در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی، این فرایند نمونه‌ای از بسیج اجتماعی در واکنش به بحران‌های ساختاری تلقی می‌شود و با استفاده از مفاهیمی چون نهادینه‌سازی مشارکت و تعاملات سیاسی-اجتماعی بررسی می‌گردد.

هدف این مقاله، تحلیل جامعه‌شناختی نقش مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و بررسی چگونگی تأثیر آن در مدیریت بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. این پژوهش به دنبال آن است که نشان دهد مشارکت سیاسی چگونه به‌عنوان نیرویی سازمان‌دهنده، بحران‌های متعدد را مدیریت کرده و به نهادینه‌سازی نظام جدید کمک کرده است. در این راستا، پرسش‌هایی که پژوهش حاضر قصد پاسخ‌دهی به آن‌ها را دارد، این است که چگونه مشارکت سیاسی در بستر جامعه‌ای دستخوش تغییرات ساختاری توانسته است بحران‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جریان انقلاب اسلامی مدیریت کند؟ آیا این مشارکت توانسته است به نهادینه‌سازی کنش‌های جمعی منجر شود، یا صرفاً پاسخی کوتاه‌مدت به بحران‌های موجود بوده است؟ این پرسش‌ها از آنجا اهمیت دارند که انقلاب اسلامی نه تنها به‌عنوان یک رخداد سیاسی، بلکه به‌عنوان فرایندی اجتماعی و تاریخی با اثرات بلندمدت بر جامعه ایران شناخته می‌شود. این پرسش‌ها، که در بطن مسئله مشارکت سیاسی و مدیریت بحران نهفته‌اند، ضرورت انجام پژوهشی علمی و جامعه‌شناختی را برجسته می‌سازند. همچنین ضرورت بررسی این مسئله از آن جهت است که فهم دقیق نقش مشارکت سیاسی در مدیریت بحران‌ها می‌تواند الگوهای مفیدی برای تحلیل سایر تحولات سیاسی و اجتماعی

ارائه دهد. بر همین اساس، این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب جامعه‌شناختی به تحلیل رابطه میان مشارکت سیاسی و مدیریت بحران‌ها می‌پردازد و درک عمیق‌تری از نقش این پدیده در انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد.

ادبیات تحقیق:

در بررسی مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در مدیریت بحران‌های سیاسی، پژوهش‌های مختلف تأثیرات گوناگون را نشان می‌دهند. پهلوانی راد، اژدری و حسینی باقری (۱۴۰۲) در مطالعه خود به تأثیر رفتار سیاسی مدیران وزارت کشور بر فرهنگ سیاسی مشارکتی پس از انقلاب پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهند که جنسیت و تحصیلات مدیران ارتباط معناداری با فرهنگ سیاسی مشارکتی دارند و رفتار سیاسی نیز تأثیر مثبت و مستقیمی بر ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی مشارکتی، شامل ابعاد شناختی، ارزشی و ادراکی، دارد.

شیاری و شکری (۱۴۰۱) در مقاله خود به تحلیل اثر مشارکت سیاسی در دموکراسی مدرن جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که مشارکت مردمی نقش کلیدی در نهادینه‌سازی دموکراسی مدرن در ایران و تقویت مشروعیت مردمی دارد. این مقاله بر تحولات دموکراتیک پس از انقلاب اسلامی تأکید دارد و بررسی می‌کند که چگونه مشارکت سیاسی در ایران بر دموکراسی مدرن تأثیر گذاشته است.

ایزدی، نواختی مقدم و خادم (۱۳۹۵) در مطالعه خود به بررسی جایگاه زنان در سیاست، حکومت و دیوانسالاری ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که زنان پس از انقلاب اسلامی به‌طور چشمگیری در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت کردند. مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی، آموزشی و حکومتی پس از انقلاب گسترش یافته و این تغییرات مهم به دنبال تحولات اجتماعی و سیاسی در دوران پس از انقلاب اسلامی بوده است.

نظری، سیف‌اللهی و سرابی (۱۳۹۶) در مقاله خود به تحلیل گفتمان هویت سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله نشان می‌دهد که گفتمان‌های مختلف سیاسی در ایران باعث شکل‌گیری هویت‌های سیاسی متفاوت شده‌اند. تحلیل آن‌ها بر تأثیر گفتمان‌های اصلاحات و محافظه‌کاری در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران تمرکز دارد و تغییرات هویتی که این گفتمان‌ها در ایران ایجاد کرده‌اند را بررسی می‌کند.

کمالی اردکانی (۱۳۷۲) در رساله‌ای به تحلیل فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. این تحقیق به تأثیر نهادهای مختلف از جمله خانواده، گروه همسالان، مدارس و رسانه‌ها بر رفتارهای سیاسی و فرهنگی شهروندان پرداخته است. کمالی اردکانی تأکید دارد که نهادهای انقلابی و دینی نقش مؤثری در بازتعریف هویت سیاسی و اجتماعی افراد پس از انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند.

ریاضی و سام دلیری (۱۴۰۰) در مقاله خود تأثیر نگرش‌های فردی و روان‌شناختی بر شکل‌گیری رفتارهای سیاسی در دوران انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند. این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که نگرش‌های سیاسی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی برای پیش‌بینی رفتارهای سیاسی، نقش مهمی در تحول سیاسی و اجتماعی ایفا کرده و می‌تواند در تحلیل رفتارهای سیاسی و پیش‌بینی تصمیمات سیاسی مفید باشد.

آبراهامیان (۱۳۷۷) در کتاب خود تحت عنوان "ایران بین دو انقلاب" تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی را تحلیل کرده است. این کتاب به بررسی بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دوره پهلوی، فساد سیاسی و وابستگی به قدرت‌های خارجی پرداخته و نشان می‌دهد که این عوامل بر نارضایتی عمومی تأثیر گذاشتند و در نهایت منجر به انقلاب اسلامی شدند.

طالبان (۱۳۹۷) در کتاب خود "جامعه‌شناسی، مهندسی اجتماعی و انقلاب" به رابطه میان جامعه‌شناسی و مهندسی اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی پرداخته است. این کتاب به بررسی چگونگی استفاده از نظریات جامعه‌شناسی در ساختاردهی و بازسازی اجتماعی در دوران انقلاب اسلامی پرداخته و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور را نشان می‌دهد.

رهبری (۱۳۸۳) در کتاب "درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران" به تحلیل نیروهای اجتماعی مختلف در انقلاب اسلامی پرداخته است. این کتاب با استفاده از نظریات ماکس وبر نیروهای اجتماعی را به سه دسته احزاب، شان‌ها و طبقات تقسیم کرده و نقش آن‌ها را در تغییرات سیاسی بررسی می‌کند.

ازغندی (۱۳۹۸) در کتاب "درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران" به تحلیل مشکلات اجتماعی و سیاسی ایران و چالش‌های آن در دوره‌های مختلف تاریخی پرداخته است. این کتاب به بررسی ریشه‌های درگیری‌های سیاسی و اجتماعی و تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات اجتماعی و سیاسی کشور می‌پردازد.

نظری، سیف‌اللهی و سرابی (۱۳۹۶) در مقاله خود به تحلیل گفتمان هویت سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. این مقاله تأکید دارد که گفتمان‌های سیاسی مختلف به‌ویژه اصلاحات و محافظه‌کاری، در طول دهه‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی ایران، هویت‌های سیاسی متفاوتی ایجاد کرده‌اند که در سیاست‌گذاری‌های کشور تأثیرگذار بوده است.

دیلمی‌معزی (۱۳۹۱) در کتاب "زمینه‌های جامعه‌شناختی و تاریخی انقلاب اسلامی" به تحلیل علل شکل‌گیری و گسترش انقلاب اسلامی در ایران پرداخته است. این کتاب به بررسی شکست جنبش‌های پیشین و پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیر رهبری مذهبی امام خمینی در آن پرداخته و همچنین به تأثیرات انقلاب اسلامی بر تحولات جهانی و منطقه‌ای اشاره کرده است.

نجاتی‌حسینی و کوثری (۱۳۸۷) در کتاب "انقلاب اسلامی، جامعه و دولت" به تحلیل ابعاد مختلف واقعیت سیاسی ایران معاصر پرداخته‌اند. این کتاب شامل مقالات مختلف است که به تأثیر گروه‌های اجتماعی و فرهنگی بر تحولات سیاسی ایران از جمله در زمینه مشارکت سیاسی و نقش گروه‌های اجتماعی در انقلاب اسلامی می‌پردازد.

معین‌الدینی (۱۳۹۳) در کتاب "جامعه‌شناسی انقلاب: با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران" به تحلیل ابعاد مختلف انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن پرداخته است. این کتاب به بررسی زمینه‌های بروز انقلاب اسلامی و تأثیرات آن در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد.

نوری و مرشدی زاد (۲۰۱۷) در مقاله "چالش‌های سیاسی خارجی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی" به تحلیل چالش‌های سیاسی خارجی که انقلاب اسلامی ایران با آن‌ها روبه‌رو شد پرداخته‌اند. این مقاله تأکید دارد که ایستادگی در برابر این تهدیدات، لازمه تداوم و بقای انقلاب اسلامی ایران است.

با توجه به پیشینه مطالعات موجود در زمینه مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و نقش آن در مدیریت بحران‌های سیاسی، در مطالعات قبلی بیشتر بر تأثیرات شکاف‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر مشارکت سیاسی و رفتارهای انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است. پژوهش‌های موجود عمدتاً به بررسی شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر میزان مشارکت سیاسی پرداخته‌اند، اما کمتر به تحلیل جامعه‌شناختی نقش مشارکت سیاسی در مدیریت بحران‌های سیاسی در دوران انقلاب اسلامی پرداخته شده است. همچنین، در بسیاری از تحقیقات پیشین، به ابعاد مختلف مشارکت سیاسی مانند ابعاد شناختی، ارزشی و ادراکی کمتر توجه شده است. از سوی دیگر،

شکاف‌های موجود در تحقیقات قبلی عمدتاً از منظر کلی به تحلیل بحران‌ها و مشارکت پرداخته‌اند و ضرورت توجه به تغییرات دقیق در سطح میانه و خرد در تحلیل بحران‌ها کمتر بررسی شده است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلاء و ارائه تحلیلی جامعه‌شناختی از مشارکت سیاسی مردم ایران در مدیریت بحران‌های سیاسی دوران انقلاب اسلامی و بررسی ابعاد مختلف آن در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور، به دنبال ارائه نگاه جامع‌تری به تأثیر مشارکت سیاسی در این زمینه است.

چارچوب نظری (مبانی نظری و مفهومی)

تعریف مفاهیم:

۱. **تعریف مشارکت سیاسی:** مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن شهروندان در فرآیندهای سیاسی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولتی، سیاست‌گذاری‌ها یا ساختارهای قدرت تعریف می‌شود. این مشارکت یکی از ارکان اصلی دموکراسی‌ها و ابزاری برای افزایش مشروعیت و کارآمدی نظام‌های سیاسی است. مشارکت سیاسی می‌تواند در اشکال مختلف، از رأی دادن در انتخابات تا تظاهرات و اعتراضات جمعی، تجلی یابد (Verba & Nie, 1972). سازمان ملل متحد مشارکت را «دخالت و درگیر شدن مردم در فرآیندهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آن‌ها اثر می‌گذارد» می‌داند (برومند، ۱۳۸۳: ۶). همچنین، سیدنی وربا و نورمن نای مشارکت سیاسی را به عنوان "تمامی فعالیت‌هایی که شهروندان به صورت فردی یا جمعی، سازمان‌یافته یا خودجوش، با هدف تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های دولتی انجام می‌دهند" تعریف کرده‌اند (Verba & Nie, 1972). این مفهوم به‌ویژه در جوامع دموکراتیک که افراد می‌توانند در تعیین سرنوشت خود تأثیرگذار باشند، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. علاوه بر مشارکت‌های رسمی مانند انتخابات و عضویت در احزاب سیاسی، مشارکت‌های غیررسمی نیز شامل اعتراضات، تظاهرات و فعالیت در گروه‌های مدنی می‌شود (Norris, 2001). در ایران، مشارکت سیاسی همواره تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی کشور بوده و در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ترکیب اشکال رسمی و غیررسمی مشارکت، نقش کلیدی در مدیریت بحران‌های سیاسی داشت (Foran, 1994).

۲. **تعریف بحران سیاسی:** بحران به وضعیتی اشاره دارد که نظم سیستم یا اجزای آن را مختل کرده و پایداری آن را به خطر می‌اندازد (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۱۸). بحران می‌تواند شامل وضعیت‌های

ناپایدار، بی‌ثباتی، شرایط غیرمعمول و مختل شدن نظم باشد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۱۵۱). بحران سیاسی به شرایطی گفته می‌شود که در آن نظم و ثبات سیاسی یک کشور یا نظام حکومتی به دلیل چالش‌های داخلی یا خارجی دچار اختلال می‌شود و مشروعیت نهادها و کارآمدی حکومت به‌طور جدی زیر سؤال می‌رود. در چنین شرایطی، جامعه با تنش‌ها، بی‌ثباتی و عدم قطعیت سیاسی مواجه شده و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی کاهش می‌یابد. بر اساس دیدگاه آلموند و همکاران، منشأ بحران یا در ذات نظام سیاسی و یا در عوامل محیطی نهفته است. اگر نهادهای موجود نتوانند به تقاضاهای اجتماعی پاسخ دهند، بحران‌هایی مانند اعتصابات و مقاومت‌ها شکل می‌گیرد (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۷۶). بحران سیاسی معمولاً زمانی رخ می‌دهد که تعادل میان مشروعیت، کارآمدی و مطالبات عمومی به چالش کشیده شود و حکومت توانایی پاسخگویی به این مطالبات را از دست دهد. هانتینگتون بحران سیاسی را به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌کند که "نهادهای سیاسی توانایی مدیریت انتظارات و تقاضاهای جامعه را ندارند" (Huntington, 1968). گابریل آلموند و سیدنی وربا نیز بحران سیاسی را "فرسایش تعادل نهادی و مشروعیت ساختاری یک نظام سیاسی" می‌دانند که توانایی حکومت را در اجرای وظایف خود مختل می‌کند (Almond & Verba, 1963). بحران سیاسی می‌تواند ناشی از عواملی چون فساد، ناکارآمدی در مدیریت امور عمومی، فشارهای داخلی یا خارجی، و شکاف‌های اجتماعی-سیاسی باشد. ایران در دوره‌های مختلف تاریخی با بحران‌های سیاسی متعدد روبه‌رو بوده است که یکی از نمونه‌های بارز آن بحران سیاسی دوران انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است. در این دوره، مشروعیت نظام شاهنشاهی به‌دلیل فساد و ناکارآمدی در پاسخ به مطالبات مردمی به‌شدت تضعیف شد و در نهایت به بسیج سیاسی گسترده مردم و تغییر ساختار سیاسی کشور منجر شد (Huntington & Nelson, 1976).

۳. تعریف مدیریت بحران در بستر جامعه‌شناسی سیاسی: مدیریت بحران به‌عنوان تدبیری استراتژیک برای شناخت محیط‌های داخلی و خارجی و دستیابی به اهداف تعیین‌شده تعریف می‌شود (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸: ۶۸). در مدیریت بحران، استراتژی مهار به معنای کنترل آثار بحران برای به حداقل رساندن آسیب‌ها است. این استراتژی زمانی به کار گرفته می‌شود که بحران علاوه بر خطرات، فرصت‌هایی را نیز به همراه دارد (امام‌زاده فرد، ۱۳۸۹: ۲۴۸). مدیریت بحران در بستر جامعه‌شناسی سیاسی فرآیندی استراتژیک است که هدف آن شناسایی و تحلیل بحران‌ها، ازجمله بحران‌های سیاسی و اجتماعی، و کنترل آن‌ها به‌منظور حفظ ثبات و مشروعیت نظام سیاسی است.

این مفهوم بر تعامل میان ساختارهای قدرت، کنش‌های جمعی و نقش نهادهای اجتماعی تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌توانند بحران‌ها را مدیریت یا تشدید کنند. مدیریت بحران، علاوه بر کنترل پیامدهای بحران، به حفظ مشروعیت نظام و تقویت انسجام اجتماعی کمک می‌کند (Bozeman & Pandey, 2004). هانتینگتون نیز مدیریت بحران را "کنترل و تنظیم تضادها در جامعه برای حفظ نظم سیاسی و تقویت یکپارچگی ملی" می‌داند (Huntington, 1968). در دوران انقلاب اسلامی، بسیج سیاسی گسترده مردم و همکاری نهادهای اجتماعی توانست بحران‌های مشروعیت و ناکارآمدی نظام شاهنشاهی را مدیریت کند و تغییرات ساختاری عمده‌ای را در کشور به‌وجود آورد. این تجربه نشان‌دهنده اهمیت مشارکت مردم و نهادهای اجتماعی در مدیریت بحران‌های سیاسی است. در نهایت، مدیریت بحران در جامعه‌شناسی سیاسی یک فرآیند پیچیده است که از تعامل میان نهادهای حکومتی، گروه‌های اجتماعی و نیروهای مردمی شکل می‌گیرد و می‌تواند به تقویت مشروعیت نظام و حفظ انسجام اجتماعی کمک کند (Johnson, 1982).

نظریه بسیج سیاسی: چارچوبی برای تحلیل مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران

در این مقاله، نظریه بسیج سیاسی به‌عنوان چارچوب نظری برای تحلیل مشارکت سیاسی مردم در انقلاب اسلامی و نقش آن در مدیریت بحران‌های سیاسی به‌کار گرفته می‌شود. این نظریه به ما کمک می‌کند تا توضیح دهیم چگونه منابع، سازمان‌دهی و فرصت‌های سیاسی باعث شکل‌گیری مشارکت سیاسی گسترده در جریان انقلاب شدند و این مشارکت چگونه بحران‌های سیاسی و اجتماعی را مدیریت کرده است. نظریه بسیج سیاسی، که در چارچوب گسترده‌تر نظریه‌های بسیج منابع توسعه یافته است، بر نقش منابع، سازمان‌دهی و فرصت‌های سیاسی در شکل‌دهی کنش‌های جمعی و تحولات سیاسی تأکید دارد. این نظریه ابزار مفهومی قدرتمندی برای تحلیل چگونگی بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی در فرآیندهایی مانند انقلاب‌ها و مدیریت بحران‌ها فراهم می‌کند. در این چارچوب، جنبش‌های اجتماعی و سیاسی زمانی به موفقیت می‌رسند که بتوانند منابع مختلف را بسیج کرده، سازمان‌دهی مؤثری ایجاد کنند و از فرصت‌های سیاسی موجود بهره‌برداری نمایند (Tilly, 1978).

مفاهیم کلیدی نظریه بسیج سیاسی

۱. منابع: بسیج سیاسی به دسترسی به منابع مادی، انسانی و نمادین متکی است. این منابع شامل

شبکه‌های اجتماعی، نهادهای مذهبی و فرهنگی، رسانه‌ها و حتی سرمایه‌های اقتصادی هستند. در جریان انقلاب اسلامی ایران، مساجد، هیئت‌های مذهبی و بازارهای سنتی به‌عنوان منابع اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذاری عمل کردند که نیروی محرک اصلی بسیج مردمی را فراهم آوردند (سمتی، ۱۳۷۵).

۲. سازمان‌دهی: سازمان‌دهی مناسب یکی از ارکان موفقیت در بسیج سیاسی است. شبکه‌های مذهبی و ساختارهای اجتماعی موجود در ایران، مانند هیئت‌های مذهبی، توانستند جنبش مردمی را به شکلی مؤثر هدایت کنند. این ساختارها، از طریق ایجاد نظم و انسجام میان نیروهای مردمی، نقش کلیدی در حرکت انقلابی ایفا کردند.

۳. فرصت‌های سیاسی: نظریه بسیج سیاسی تأکید دارد که جنبش‌ها در شرایطی رشد می‌کنند که فرصت‌های سیاسی مناسبی فراهم باشد. این فرصت‌ها می‌تواند شامل شکاف در میان نخبگان حاکم، کاهش مشروعیت نظام یا ناتوانی در مدیریت بحران‌های اجتماعی باشد (McAdam, Tarrow, & Tilly, 2001). در ایران پیش از انقلاب، نارضایتی عمومی از رژیم پهلوی، وابستگی آن به غرب و تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، زمینه‌ساز فرصت‌های سیاسی مناسبی برای بسیج نیروهای مردمی شد.

بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران: نظریه بسیج سیاسی ابزار مفهومی مناسبی برای تحلیل انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد. این نظریه توضیح می‌دهد که چگونه نیروهای مخالف رژیم پهلوی توانستند با استفاده از منابع موجود و ایجاد سازمان‌دهی مناسب، موج گسترده‌ای از اعتراضات و مشارکت سیاسی را ایجاد کنند. امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبری کاریزماتیک، از ظرفیت‌های موجود بهره گرفت و توانست مردم را حول محور ارزش‌های دینی و اجتماعی بسیج کند.

ابعاد بسیج سیاسی در مدیریت بحران‌های انقلاب

۱. کنش جمعی هدفمند: نظریه بسیج سیاسی بیان می‌کند که کنش جمعی زمانی موفق است که به‌طور هدفمند سازمان‌دهی شود. اعتراضات خیابانی، اعتصابات و استفاده از رسانه‌های غیررسمی مانند اعلامیه‌ها در جریان انقلاب اسلامی، نمونه‌هایی از کنش جمعی هدفمند بودند که در چارچوب این نظریه قابل تحلیل هستند (Tilly, 2004).

۲. تقویت همبستگی اجتماعی: بسیج سیاسی از طریق سازمان‌دهی اجتماعی، نابرابری‌ها را کاهش داده و همبستگی ملی را تقویت می‌کند. در جریان انقلاب اسلامی، همبستگی میان گروه‌های

مختلف اجتماعی به‌ویژه از طریق نهادهای مذهبی تقویت شد و به مدیریت خلأ قدرت پس از سقوط رژیم پهلوی کمک کرد.

نظریه بسیج سیاسی، با تأکید بر سه عنصر کلیدی منابع، سازمان‌دهی و فرصت‌های سیاسی، چارچوبی تحلیلی برای فهم پویایی‌های اجتماعی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد. این نظریه نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی مردم در جریان انقلاب، نه تنها محصول عوامل ساختاری و فرهنگی بوده، بلکه با سازمان‌دهی مناسب و استفاده هوشمندانه از فرصت‌های سیاسی، به ابزاری مؤثر برای مدیریت بحران‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است.

روش‌شناسی:

در این پژوهش از روش تحلیل کیفی - تاریخی استفاده شده است. روش تحلیل کیفی - تاریخی یک رویکرد میان‌رشته‌ای در علوم اجتماعی است که هدف آن بررسی پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی در بستر تاریخی است. این روش ترکیبی از تحلیل کیفی، که بر استخراج معنا و مضامین از داده‌ها تمرکز دارد، و تحلیل تاریخی، که به مطالعه تغییرات و فرآیندهای گذشته می‌پردازد، محسوب می‌شود. تحلیل کیفی تاریخی به‌ویژه برای مطالعه مسائل پیچیده‌ای که نیازمند درک عمیق از روابط علی در طول زمان هستند، مناسب است (Mahoney & Rueschemeyer, 2003). این روش معمولاً در بررسی موضوعاتی مانند انقلاب‌ها، تغییرات سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، و تحولات فرهنگی به کار گرفته می‌شود.

تحلیل کیفی تاریخی بر این ایده استوار است که برای درک رفتارها و وقایع اجتماعی، باید آن‌ها را در چارچوب زمانی و مکانی خاصشان بررسی کرد. این روش به محقق امکان می‌دهد که داده‌های تاریخی را از دیدگاه جامعه‌شناختی تحلیل کند و نقش شرایط اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی را در شکل‌گیری پدیده‌ها درک نماید (Skocpol, 1979). داده‌های این روش از منابع اولیه مانند اسناد تاریخی، آرشیوها، روزنامه‌ها، و خاطرات و همچنین از منابع ثانویه نظیر کتاب‌ها و مقالات علمی به دست می‌آید. محقق در این فرایند تلاش می‌کند تا الگوها، روابط علی و تفاسیر اجتماعی از داده‌ها را استخراج کند (Tosh, 2015).

¹ Historical-Qualitative Analysis Method

در این روش، چارچوب نظری نقش مهمی در هدایت تحلیل ایفا می‌کند. انتخاب نظریه‌های علمی مرتبط مانند نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی، که بر نقش فرصت‌های سیاسی، منابع جمعی، و شبکه‌های اجتماعی در بسیج مردمی تأکید دارد، می‌تواند به محقق کمک کند تا داده‌های تاریخی را به شکلی نظام‌مند تحلیل کند (Tilly, 1978). تحلیل داده‌ها معمولاً شامل تکنیک‌های کیفی مانند تحلیل محتوای کیفی و تحلیل علی تاریخی است. تحلیل محتوای کیفی برای شناسایی مضامین و الگوها از داده‌ها استفاده می‌شود، در حالی که تحلیل علی تاریخی بر شناسایی روابط میان رویدادها و علل آن‌ها تمرکز دارد (Mahoney, 2004).

یکی از ویژگی‌های برجسته این روش، تمرکز بر تفسیر بستر اجتماعی است که پدیده‌های تاریخی در آن رخ داده‌اند. این تفسیر به محقق اجازه می‌دهد تا شرایط و زمینه‌هایی را که بر رفتارها و تصمیمات تأثیر گذاشته‌اند، درک کند. به عنوان مثال، در مطالعه مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران، می‌توان نقش شبکه‌های اجتماعی، منابع بسیج مردمی، و بحران مشروعیت سیاسی رژیم پهلوی را در بستر تاریخی تحلیل کرد.

روش تحلیل کیفی تاریخی مزایای متعددی دارد. این روش امکان درک عمیق‌تر پدیده‌ها، کشف روابط علی، و بررسی فرآیندهای طولانی‌مدت را فراهم می‌آورد (Abbott, 2001). همچنین، انعطاف‌پذیری آن به محقق اجازه می‌دهد که از نظریه‌ها و ابزارهای مختلف برای تحلیل استفاده کند. با این حال، چالش‌هایی نیز در این روش وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به دسترسی محدود به منابع تاریخی، ذهنی بودن تفسیرها، و عدم تعمیم‌پذیری نتایج اشاره کرد.

روش جمع‌آوری داده‌ها: در این تحقیق، داده‌ها از منابع تاریخی و کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها و مقالات علمی مربوط به انقلاب اسلامی ایران و مشارکت سیاسی مردم گردآوری شد. داده‌ها از طریق روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند که در این روش، مفاهیم کلیدی و الگوهای رفتاری از منابع مختلف استخراج گردید. ابتدا با استفاده از روش کدگذاری، مفاهیم مرتبط با مشارکت سیاسی، بحران‌ها، و نهادهای اجتماعی شناسایی شد. سپس، این داده‌ها با استفاده از نظریه‌پردازی داده‌محور به تحلیل در آمدند و مفاهیم جدیدی در خصوص تأثیر مشارکت سیاسی بر مدیریت بحران‌های سیاسی استخراج شد. به‌ویژه، در تحلیل‌ها از چارچوب‌های نظری مانند نظریه بسیج اجتماعی و نظریه بحران استفاده گردید تا الگوهای اجتماعی و رفتاری مردم در انقلاب اسلامی تحلیل شود.

یافته‌ها

سیر تاریخی مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران: از دوران پیش از انقلاب تا پس از

پیروزی و تثبیت نظام

مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی نتیجه تحولات اجتماعی و سیاسی عمیق در دهه‌های منتهی به انقلاب بود. این مشارکت ابتدا تحت تأثیر محدودیت‌های رژیم پهلوی و سرکوب‌های سیاسی قرار داشت، اما به تدریج به جنبش‌های اعتراضی و انقلابی منجر شد. در جریان انقلاب، این مشارکت به اوج خود رسید و در سال ۱۳۵۷ به تغییر نظام سیاسی کشور انجامید. پس از پیروزی انقلاب، مشارکت مردم از بسیج عمومی به مشارکت ساختاری و نظام‌مند تغییر یافت و در فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ادامه پیدا کرد. سیر تاریخی این مشارکت شامل مراحل کلیدی است که تأثیرات عمیقی در تثبیت نظام جمهوری اسلامی داشت.

سیر تاریخی مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر دوران پیش از انقلاب	محدودیت مشارکت سیاسی در دوران پهلوی	فقدان انتخابات آزاد	حکومت پهلوی با مهندسی انتخابات و نظارت شدید ساواک، هرگونه مشارکت سیاسی مؤثر و دموکراتیک را از بین برد. مجلس شورای ملی و سنا، نهادهایی فرمایشی بودند که بیشتر در خدمت تأیید سیاست‌های حکومت قرار داشتند.
		حزب رستاخیز	تأسیس حزب دولتی رستاخیز در سال ۱۳۵۳ و اجبار مردم به عضویت در آن، عملاً فضای سیاسی کشور را به صورت تک‌صدایی درآورد و امکان مشارکت واقعی را از بین برد.
		سرکوب مخالفان	ساواک با سرکوب احزاب مستقل، روشنفکران و نهادهای مذهبی، هرگونه صدای مخالف را خاموش کرد و جامعه را از امکان مشارکت آزادانه در امور سیاسی محروم ساخت.
	گسترش نارضایتی و شکل‌گیری	جنبش‌های دانشجویی و روشنفکری	در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، جنبش‌های دانشجویی و روشنفکری علیه سیاست‌های رژیم پهلوی و سرکوب آزادی‌های سیاسی شکل گرفتند. این

	مشارکت سیاسی غیررسمی	جنبش‌ها از دانشگاه‌ها آغاز و به تدریج به سایر بخش‌های جامعه گسترش یافت.
	نقش نهادهای مذهبی	با سرکوب احزاب سیاسی، نهادهای مذهبی به کانون اصلی مشارکت سیاسی تبدیل شدند. روحانیت، به‌ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقش مهمی در آگاهی‌بخشی مردم و بسیج سیاسی آن‌ها ایفا کرد.
	شکل‌گیری اعتراضات مردمی	نارضایتی از فساد اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی و نفوذ قدرت‌های خارجی، موجب شکل‌گیری اعتراضات پراکنده در نقاط مختلف کشور شد که به‌مرور به مشارکت سیاسی انقلابی تبدیل شد.
	بسیج مردمی	اقتشار مختلف جامعه از جمله طبقات فرودست، طبقه متوسط، روحانیت، دانشجویان، کارگران و بازاریان به‌طور هماهنگ و متحد در جریان انقلاب شرکت کردند.
	مشارکت سیاسی انقلابی و نقش مردم در انقلاب اسلامی	رهبری امام خمینی (ره) با استفاده از ابزارهای سستی مانند اعلامیه‌ها، نوارهای صوتی و سخنرانی‌ها، مشارکت مردم را هدایت و به آن انسجام بخشید.
	گسترش اعتراضات	تظاهرات گسترده در شهرهای مختلف، همراه با اعتصاب کارگران صنعت نفت و سایر اقتشار، حکومت پهلوی را با بحران مشروعیت و فروپاشی ساختاری مواجه ساخت.
سیر تاریخی مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران و چگونگی مشارکت	شکل‌گیری بسته‌های مشارکت سیاسی	رژیم پهلوی با حذف آزادی‌های سیاسی، کنترل شدید بر احزاب و رسانه‌ها و سرکوب هرگونه اعتراض، مشارکت رسمی مردم را از بین برد. این شرایط باعث شد مردم به سمت مشارکت‌های غیررسمی و اعتراضی گرایش پیدا کنند.
	نارضایتی اقتصادی و	نابرابری‌های اقتصادی، فقر گسترده در میان طبقات پایین جامعه و فساد ساختاری، نارضایتی عمومی را تشدید

سیاسی مردم در جریان انقلاب	اجتماعی	کرد و اقشار مختلف مردم را به واکنش واداشت.
	نقش ارزش‌های دینی و رهبری امام خمینی (ره)	رهبری امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از ارزش‌های دینی مانند عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، مردم را به مبارزه علیه استبداد و سلطه خارجی ترغیب کرد. این رهبری به مشارکت سیاسی معنا و جهت‌گیری روشن بخشید.
اعتراضات مردمی و مشارکت سیاسی گسترده	قیام‌های مردمی	اعتراضات مردمی از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ در قم آغاز شد و در ادامه با گسترش به شهرهای دیگر مانند تبریز در ۲۹ بهمن همان سال، به موجی از اعتراضات سراسری تبدیل شد.
	نقش اقشار مختلف	روحانیت: روحانیون با هدایت مردم از طریق مساجد و منابر، نقش مهمی در بسیج اجتماعی ایفا کردند.
		دانشجویان و روشنفکران: با انتشار بیانیه‌ها و برگزاری تجمعات اعتراضی، آگاهی سیاسی را افزایش دادند و مشارکت گروه‌های مختلف را تشویق کردند.
		بازاریان و کارگران: اعتصابات گسترده در بازارها و صنایع مهم مانند صنعت نفت، حکومت را با بحران اقتصادی روبه‌رو کرد و عملاً توان اداره کشور را از آن سلب نمود.
بسیج عمومی و مشارکت نهایی در پیروزی انقلاب	اعتصابات سراسری	تظاهرات سراسری: حضور میلیونی مردم در تظاهرات خیابانی مانند راهپیمایی‌های روزهای تاسوعا و عاشورا در سال ۱۳۵۷، وحدت و همبستگی ملی را نشان داد و رژیم پهلوی را با بحران مشروعیت مواجه ساخت.
	حضور یکپارچه مردم	اعتصاب کارگران صنعت نفت و کارکنان بخش‌های مختلف کشور، جریان اقتصادی حکومت را فلج کرد و آن را در آستانه فروپاشی قرار داد. مشارکت تمامی اقشار جامعه از جمله زنان، دانشجویان، کارگران، روحانیون و بازاریان در

تظاهرات و اعتراضات خیابانی، حکومت پهلوی را به شدت تحت فشار قرار داد.			
رهبری هوشمندانه امام خمینی (ره) با استفاده از ابزارهایی مانند اعلامیه‌ها و نوارهای صوتی، هماهنگی و انسجام این مشارکت سیاسی را تقویت کرد. ایشان با تأکید بر وحدت ملی و ارزش‌های اسلامی، جهت‌گیری مبارزات مردم را روشن ساخت.	رهبری امام خمینی (ره)		
نخستین جلوه مشارکت سیاسی مردم پس از انقلاب، برگزاری همه‌پرسی تعیین نظام سیاسی بود که با مشارکت گسترده مردم برگزار شد. در این همه‌پرسی، بیش از ۹۸ درصد مردم به تشکیل نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.	همه‌پرسی جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸)		
مشارکت مردم در انتخاب خبرگان قانون اساسی که وظیفه تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی را برعهده داشتند، گام مهم دیگری در تثبیت نظام سیاسی بود. این قانون اساسی با تأکید بر مشارکت مردم در تمامی ارکان حکمرانی به تصویب رسید.	تدوین و تصویب قانون اساسی	مشارکت سیاسی مردم در تثبیت نظام جمهوری اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۰)	سیر تاریخی مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی با بررسی چگونگی مشارکت مردم پس از پیروزی انقلاب
از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰، انتخابات‌های متعددی از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی برگزار شد که مردم به‌طور گسترده در آن حضور یافتند و نقش خود را در شکل‌گیری نهادهای حاکمیتی ایفا کردند.	انتخابات‌های متعدد		
اقشار مختلف مردم، از جمله جوانان، زنان و مردان، به‌صورت داوطلبانه در قالب نیروهای بسیج و سپاه پاسداران به جبهه‌های جنگ اعزام شدند و از انقلاب و کشور دفاع کردند.	مشارکت نظامی و دفاعی	مشارکت سیاسی مردم در دفاع از انقلاب و کشور (دوران دفاع مقدس: ۱۳۵۹-۱۳۶۷)	
مشارکت سیاسی در این دوران تنها محدود به حضور در میدان جنگ نبود. مردم در پشت جبهه‌ها نیز با جمع‌آوری کمک‌های مالی و تدارکاتی، حمایت	حمایت مردمی از جبهه‌ها		

همه‌جانبه خود را از نظام و رزمندگان نشان دادند.			
مشارکت گسترده مردم در دوران جنگ به حفظ همبستگی و وحدت ملی کمک کرد و توانست بحران ناشی از جنگ را مدیریت کند.	وحدت ملی		
مردم با حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس، در تعیین سرنوشت سیاسی و انتخاب نمایندگان خود نقش فعال داشتند. مشارکت گسترده مردم در این انتخابات، مشروعیت مردمی نظام را تقویت کرده است.	انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی	مشارکت سیاسی مردم در فرآیندهای انتخاباتی و ساختارهای نظام‌مند پس از جنگ (۱۳۳۸ تاکنون)	
تشکیل شوراهای اسلامی پس از تصویب قانون مربوطه در دهه ۱۳۷۰، نمونه‌ای دیگر از مشارکت سیاسی مردم در سطوح محلی بود. این شوراها بستر مناسبی برای مشارکت مستقیم مردم در اداره امور شهری و روستایی فراهم کردند.	شوراهای اسلامی شهر و روستا		
مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، به گسترش فعالیت‌های مدنی، فرهنگی و اجتماعی منجر شد. این فعالیت‌ها از طریق نهادهای مختلف مانند انجمن‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد ادامه پیدا کرد.	نقش مشارکت سیاسی در تحولات اجتماعی و فرهنگی		
راهپیمایی‌های میلیونی در مناسبت‌هایی مانند ۲۲ بهمن و روز قدس، نماد حمایت مردم از نظام جمهوری اسلامی و مشارکت آگاهانه آن‌ها در صحنه‌های سیاسی بوده است.	حضور در راهپیمایی‌ها و مناسبت‌های سیاسی	مشارکت سیاسی در بحران‌های داخلی و منطقه‌ای	
در بحران‌های داخلی مانند حوادث سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، مشارکت آگاهانه مردم در دفاع از نظام، نقش مؤثری در خنثی‌سازی توطئه‌ها و بازگشت آرامش به کشور داشت.	مقابله با فتنه‌ها و تهدیدات داخلی		
با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و حمایت از مظلومان، جمهوری اسلامی ایران به نماد مقاومت در برابر استعمار و استکبار جهانی تبدیل شد	حمایت از جریان مقاومت		

سیر تاریخی مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: انسداد و محدودیت مشارکت در دوران پهلوی، شکل‌گیری مشارکت‌های اعتراضی و غیررسمی، و بسیج سیاسی گسترده در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷. نارضایتی عمومی از سرکوب‌ها، فساد، نابرابری‌ها و رهبری امام خمینی (ره) منجر به شکل‌گیری این مشارکت شد که در نهایت به تغییر نظام سیاسی کشور انجامید. این مشارکت سیاسی، با حمایت روحانیت و اقشار مختلف جامعه، به یک حرکت اجتماعی گسترده تبدیل شد که بحران سیاسی عمیقی را مدیریت و به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد. پس از پیروزی انقلاب، مشارکت مردم ابتدا در تثبیت ساختارهای سیاسی با برگزاری همه‌پرسی و انتخابات و سپس در دوران جنگ تحمیلی در قالب بسیج عمومی ادامه یافت. پس از جنگ، این مشارکت در فرآیندهای دموکراتیک مانند انتخابات و شوراهای محلی تجلی پیدا کرد و در مدیریت بحران‌ها و حمایت از نظام جمهوری اسلامی نقش کلیدی ایفا کرد. این روند نشان می‌دهد که مشارکت مردم، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، همواره در تداوم و استحکام انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است.

تأثیر رهبری امام خمینی (ره) بر جهت‌دهی مشارکت سیاسی پیش و پس از انقلاب اسلامی

رهبری امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در بسیج و جهت‌دهی مشارکت سیاسی مردم، نقش کلیدی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم مشارکت مردم پس از انقلاب داشته است. این تأثیر در دو مقطع زمانی پیش از پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب اسلامی قابل بررسی است.

تأثیر رهبری امام خمینی (ره) بر مشارکت سیاسی پیش از انقلاب اسلامی	بیداری سیاسی و آگاهی‌بخشی مردم تبدیل ارزش‌های مذهبی به ابزار بسیج سیاسی ایجاد وحدت و انسجام ملی جهت‌دهی به اعتراضات و حرکت‌های انقلابی
تأثیر رهبری امام خمینی (ره) بر مشارکت سیاسی پس از انقلاب اسلامی	نهادینه‌سازی مشارکت سیاسی تدوین قانون اساسی با مشارکت مردم تأکید بر انتخابات و مردم‌سالاری مشارکت مردم در دفاع از انقلاب

تقویت وحدت ملی در بحران‌ها		
----------------------------	--	--

رهبری امام خمینی (ره) چه در دوران پیش از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقشی کلیدی در جهت‌دهی و سازمان‌دهی مشارکت سیاسی مردم داشت. پیش از انقلاب، امام خمینی (ره) با آگاهی‌بخشی، استفاده از ظرفیت‌های مذهبی و وحدت‌بخشی به اقشار مختلف جامعه، اعتراضات مردمی را به یک حرکت منسجم و هدفمند انقلابی تبدیل کردند. پس از انقلاب نیز با تأکید بر مردم‌سالاری دینی و نهادهای مشارکت سیاسی از طریق انتخابات، قانون‌گذاری و دفاع از انقلاب، مشارکت مردم را به یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی تبدیل نمودند. این رهبری هوشمندانه موجب شد مردم به‌عنوان اصلی‌ترین پشتوانه انقلاب، در تمامی مراحل تثبیت و تداوم نظام نقش‌آفرینی کنند.

نقش مردم در مدیریت خلأ قدرت پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، با سقوط رژیم پهلوی، ساختارهای سیاسی، امنیتی و اجرایی رژیم پیشین فروپاشید و کشور درگیر خلأ قدرت شد. در چنین شرایطی، این مردم بودند که با حضور آگاهانه و سازمان‌یافته خود در صحنه، نقش اساسی در مدیریت خلأ قدرت و ایجاد نظم جدید ایفا کردند. نقش مردم در این فرآیند را می‌توان در چند محور بررسی کرد:

تشکیل کمیته‌های مردمی	تأمین امنیت و برقراری نظم اجتماعی	نقش مردم در مدیریت خلأ قدرت پس از پیروزی انقلاب اسلامی
حضور جوانان و نیروهای انقلابی		
تشکیل نهادهای انقلابی: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته‌های انقلاب اسلامی و بسیج مستضعفین		
اداره شوراهای مردمی		
همه‌پرسی جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸)		
انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی		
برگزاری انتخابات متعدد		
همکاری همه اقشار جامعه		
حمایت از رهبری امام خمینی (ره)		
مقابله با گروه‌های تجزیه‌طلب		
مقابله با آشوب‌های داخلی		
مشارکت در اداره امور کشور و بازسازی نهادهای حکومتی		
مشارکت سیاسی در تثبیت نظام جدید		
نقش وحدت و همبستگی مردمی		
مقابله با توطئه‌ها و بحران‌های داخلی		

نقش مردم در مدیریت خلأ قدرت پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار حیاتی و تعیین کننده بود. مردم با ایجاد نظم اجتماعی از طریق تشکیل کمیته‌های مردمی، مشارکت در ایجاد نهادهای انقلابی و حضور فعال در فرآیندهای سیاسی مانند همه‌پرسی و انتخابات، زمینه تثبیت نظام جمهوری اسلامی را فراهم کردند. همچنین با وحدت و همبستگی ملی تحت رهبری امام خمینی (ره)، از هرگونه آشوب و بی‌ثباتی جلوگیری کردند. این مشارکت آگاهانه و هدفمند مردم، توانست خلأ قدرت را به‌طور مؤثر مدیریت کرده و پایه‌های نظام جدید را بر اساس خواست و اراده ملت بنا نهد.

پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)

مشارکت سیاسی گسترده مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، نقش کلیدی در بازسازی نظم سیاسی جدید و جلوگیری از بروز بحران‌های سیاسی داشت. این مشارکت که بر مبنای خواست عمومی برای تغییر ساختارهای پیشین و ایجاد نظامی جدید صورت گرفت، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی شد و به ایجاد مشروعیت، ثبات و انسجام سیاسی کشور کمک کرد.

پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)	مشارکت سیاسی گسترده مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، نقش کلیدی در بازسازی نظم سیاسی جدید و جلوگیری از بروز بحران‌های سیاسی داشت. این مشارکت که بر مبنای خواست عمومی برای تغییر ساختارهای پیشین و ایجاد نظامی جدید صورت گرفت، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی شد و به ایجاد مشروعیت، ثبات و انسجام سیاسی کشور کمک کرد.	همه‌پرسی جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸)
		بیعت عمومی با نظام جدید
پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)	تدوین قانون اساسی بر اساس مشارکت مردمی	انتخاب مجلس خبرگان قانون اساسی
	شکل‌گیری نهادهای قانونی و حکومتی بر اساس رأی مردم	تصویب قانون اساسی با رأی مردم
پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)	جلوگیری از خلأ قدرت و بحران‌های سیاسی	برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری
	تثبیت نظام جمهوری اسلامی بر پایه مردم‌سالاری دینی	تشکیل مجلس شورای اسلامی
پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)	تثبیت نظام جمهوری اسلامی بر پایه مردم‌سالاری دینی	ایجاد شوراهای اسلامی
		حفظ وحدت و انسجام ملی
پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)		خشی‌سازی توطئه‌های داخلی و خارجی
		نقش مردم در تعیین سرنوشت خود
پیامدهای مشارکت سیاسی و تأثیر آن بر جلوگیری از بحران‌های سیاسی: تأثیر در بازسازی نظم سیاسی جدید (شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی)		اتصال دین و سیاست

مشارکت سیاسی مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقشی محوری در بازسازی نظم سیاسی جدید و جلوگیری از بحران‌های سیاسی ایفا کرد. حضور گسترده مردم در همه‌پرسی جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی و انتخابات‌های متعدد، مشروعیت نظام جدید را تثبیت کرد و از بروز خلأ قدرت و بی‌ثباتی جلوگیری نمود. این مشارکت نه تنها به شکل‌گیری نهادهای قانونی و حکومتی منجر شد، بلکه با حفظ وحدت و انسجام ملی، توطئه‌های داخلی و خارجی را خنثی کرد و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را بر مردم‌سالاری دینی استوار ساخت.

بحث و تحلیل

۱. **نقش مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران:** مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی به‌عنوان یک عامل کلیدی در تغییر نظام سیاسی و مدیریت بحران‌ها شناخته می‌شود. این مشارکت، که ابتدا در شرایط سرکوب و انسداد سیاسی در دوران پهلوی شکل گرفت، در نهایت به یک جنبش اجتماعی گسترده تبدیل شد. نکته اساسی در این فرآیند، نقش رهبری امام خمینی (ره) است که توانست با استفاده از ارزش‌های دینی و فرهنگی مردم را به سمت یک هدف مشترک هدایت کند. این رهبری، به‌ویژه در موقعیت‌های بحرانی، تأثیرات زیادی در بسیج مردم و جهت‌دهی به مشارکت سیاسی داشت.

۲. **عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی:** مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران، نه تنها به دلیل سرکوب‌های سیاسی و بحران‌های اجتماعی بلکه به‌واسطه شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه شکل گرفت. نهادهای مذهبی مانند روحانیت و شبکه‌های اجتماعی در زمان انقلاب به‌عنوان منابع تأثیرگذار در بسیج مردم و شکل‌دهی مشارکت سیاسی عمل کردند. علاوه بر این، فساد و نابرابری‌های اجتماعی باعث شد که مردم از هر طریقی، چه رسمی و چه غیررسمی، در فرآیندهای سیاسی مشارکت کنند و در نهایت، این مشارکت به چالشی اساسی برای رژیم پهلوی تبدیل شد.

۳. **تحلیل نظریه بسیج سیاسی:** نظریه بسیج سیاسی چارلز تیلی ابزار مفهومی مناسبی برای تحلیل انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌دهد. طبق این نظریه، بسیج سیاسی هنگامی موفق است که بتواند منابع اجتماعی و فرهنگی را بسیج کرده و سازمان‌دهی مؤثری ایجاد کند. در انقلاب اسلامی، منابع اجتماعی مانند مساجد و شبکه‌های مذهبی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در بسیج سیاسی عمل کردند.

رهبری امام خمینی (ره) با بهره‌برداری از این منابع و هدایت مردم توانست حرکت انقلابی را به یک جنبش گسترده و هدفمند تبدیل کند.

۴. تأثیر مشارکت سیاسی در مدیریت بحران‌ها: مشارکت سیاسی مردم ایران نه تنها در تغییر

رژیم بلکه در مدیریت بحران‌های سیاسی و اجتماعی نیز نقشی اساسی ایفا کرد. در دوران پس از انقلاب، مشارکت مردم در فرآیندهای دموکراتیک، مانند برگزاری همه‌پرسی، انتخابات و مشارکت در نهادهای حکومتی، به تثبیت نظام جمهوری اسلامی کمک کرد. این مشارکت، علاوه بر حل بحران‌ها، موجب تقویت مشروعیت و انسجام ملی شد و در نهایت توانست به مدیریت بحران‌های داخلی، مانند جنگ تحمیلی، کمک کند.

۵. نهادهای مشارکت سیاسی: پس از پیروزی انقلاب، مشارکت سیاسی از بسیج عمومی

به مشارکت ساختاری و نظام‌مند تبدیل شد. این تغییر در نوع مشارکت باعث شد که مردم در فرآیندهای دموکراتیک مانند انتخاب اعضای خبرگان قانون اساسی و برگزاری انتخابات متعدد مشارکت کنند. همچنین، تشکیل نهادهایی مانند شوراهای اسلامی و بسیج مستضعفین به‌عنوان نمادهای مشارکت سیاسی مردم در تثبیت نظام جمهوری اسلامی عمل کردند.

۶. پیامدهای مشارکت سیاسی در انقلاب اسلامی: مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب

اسلامی باعث شد که نه تنها نظام سیاسی تغییر کند، بلکه روند تحول اجتماعی و فرهنگی در کشور نیز تسریع شود. مشارکت گسترده مردم در فرآیندهای سیاسی، مانند رأی‌دهی در همه‌پرسی‌ها و انتخابات، باعث شد که مشروعیت نظام جمهوری اسلامی تقویت شده و تحولات سیاسی کشور در بستر مردم‌سالاری دینی ادامه یابد. این فرآیند به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و پس از آن، توانست وحدت ملی و انسجام اجتماعی را حفظ کرده و از بروز بحران‌های سیاسی جدید جلوگیری کند.

۷. رهبری امام خمینی (ره) و مدیریت بحران: رهبری امام خمینی (ره) در تمامی مراحل

انقلاب اسلامی، از زمان پیش از انقلاب تا پس از پیروزی آن، نقشی کلیدی در جهت‌دهی و سازمان‌دهی مشارکت سیاسی مردم داشت. امام خمینی (ره) با استفاده از ظرفیت‌های مذهبی و اجتماعی، مردم را به مشارکت در فرآیندهای انقلابی و سیاسی فراخواند و توانست بحران‌های سیاسی و اجتماعی را در زمان انقلاب مدیریت کند. پس از انقلاب، ایشان با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، نقش مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی را ادامه داد و به تقویت مشروعیت نظام جمهوری اسلامی کمک کرد.

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی و نقش آن در مدیریت بحران‌های سیاسی در تاریخ معاصر ایران یک روند پیچیده و چندوجهی بوده که نه تنها به تغییر نظام سیاسی کشور منتهی شد، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر در مدیریت بحران‌ها و تقویت انسجام ملی و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی نیز عمل کرد. این مشارکت، به‌ویژه در دوران‌های بحرانی پیش از انقلاب، در جریان انقلاب و پس از آن، تحت تأثیر عواملی چون فساد ساختاری، نابرابری‌های اجتماعی، سرکوب سیاسی و وابستگی رژیم پهلوی به قدرت‌های خارجی قرار داشت. در دوران پیش از انقلاب اسلامی، شرایط سرکوب و انسداد سیاسی و نارضایتی عمومی به‌ویژه در میان طبقات مختلف اجتماعی، به‌ویژه طبقات پایین و روشنفکران، موجب شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی شد. در این دوران، مشارکت سیاسی به شکل اعتراضات پراکنده و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی نمایان شد که توانستند در نهایت به یک جنبش گسترده و سازمان‌یافته تبدیل شوند. بحران مشروعیت رژیم پهلوی که ناشی از فساد اقتصادی، سرکوب آزادی‌ها، گسترش نابرابری‌ها و وابستگی به قدرت‌های خارجی بود، نقش عمده‌ای در تحریک و بسیج مردم ایفا کرد. مردم، به‌ویژه تحت رهبری امام خمینی (ره)، توانستند با ایجاد همبستگی ملی، نظام سیاسی وقت را به چالش بکشند و زمینه‌ساز تغییرات سیاسی گسترده شوند. رهبری امام خمینی (ره) در این فرآیند، نقش محوری در بسیج مردم ایفا کرد. امام خمینی (ره) نه تنها توانست از ظرفیت‌های مذهبی و دینی بهره‌برداری کند، بلکه با ارائه یک گفتمان منسجم و جامع، مردم را به سوی هدفی مشترک هدایت کرد. ایشان با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی مانند نوارهای صوتی و اعلامیه‌ها، پیام انقلاب را به اقشار مختلف جامعه رساند و آنان را به مشارکت فعال در فرآیندهای انقلابی فراخواند. این بسیج مردمی به‌ویژه در پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ نقشی کلیدی ایفا کرد و سبب سرنگونی رژیم شاهنشاهی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی مردم همچنان در فرآیندهای دموکراتیک، از جمله برگزاری انتخابات، تدوین قانون اساسی و تأسیس نهادهای جمهوری اسلامی، ادامه یافت. این مشارکت در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به اوج خود رسید و موجب تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی شد. دفاع جانانه مردم ایران در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، همراه با مشارکت فعال در اداره امور کشور، سبب شد تا نظام جمهوری اسلامی از بحران‌های داخلی و خارجی به‌ویژه در جنگ تحمیلی عبور کند و به

ثبات نسبی برسد. این مشارکت نه تنها موجب استحکام پایه‌های نظام جمهوری اسلامی شد بلکه در ایجاد نهادهای جدید، تقویت مشروعیت نظام و گسترش فرآیندهای دموکراتیک نیز تأثیرگذار بود.

این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی مردم ایران، به‌ویژه در دوران انقلاب و پس از آن، در مدیریت بحران‌ها نقشی کلیدی ایفا کرده است. این مشارکت، که هم در سطوح فردی و هم جمعی به‌ویژه در قالب بسیج عمومی و فعالیت‌های جمعی و سازمان‌یافته تجلی یافت، توانست تهدیدات ناشی از بحران‌های مختلف را به فرصتی برای تقویت و نهادینه‌سازی دموکراسی و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی تبدیل کند. این روند در واقع به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی و سیاسی جامع به‌دنبال ایجاد همبستگی ملی، نهادسازی و تقویت ظرفیت‌های داخلی کشور در مواجهه با بحران‌ها بوده است. به‌طور خاص، ابعاد مختلف مشارکت سیاسی از جمله خودسازی فردی، همبستگی ملی و تمدن‌سازی، نقش کلیدی در تقویت تاب‌آوری جامعه در برابر بحران‌ها و در تأمین موفقیت نظام جمهوری اسلامی در تثبیت خود ایفا کردند. خودسازی فردی به‌عنوان یکی از ارکان مشارکت سیاسی، موجب افزایش آگاهی سیاسی و مسئولیت‌پذیری افراد شد، در حالی که همبستگی ملی و تمدن‌سازی، روح جمعی را تقویت کرده و موجب مقابله مؤثر با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی گردید. این فرآیند به‌ویژه در دوران بحران‌های داخلی و خارجی، نظیر بحران‌های اقتصادی و جنگ تحمیلی، نقش بسیار مهمی در مدیریت بحران‌ها ایفا کرد. بنابراین، مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی و پس از آن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در مدیریت بحران‌ها و تثبیت انقلاب شناخته می‌شود. این مشارکت نه تنها موجب تغییر نظام سیاسی شد بلکه توانست بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را مدیریت کند و به تداوم و تثبیت نظام جمهوری اسلامی کمک کند. مشارکت مردم، علاوه بر حل بحران‌ها، موجب تقویت انسجام ملی و مشروعیت نظام شد و در نهایت به شکل‌گیری ساختارهای دموکراتیک و اجتماعی در کشور کمک نمود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت سیاسی مردم ایران در انقلاب اسلامی نه تنها در تغییر نظام سیاسی کشور مؤثر بود، بلکه به‌عنوان یک نیروی محرکه در مقابله با بحران‌ها، از جمله بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به ایجاد ساختارهای حکومتی جدید و تثبیت نظام جمهوری اسلامی کمک کرد. این مشارکت به‌ویژه در شرایط بحرانی، نقش برجسته‌ای در همبستگی ملی، تقویت مشروعیت و حفظ ثبات کشور ایفا کرد.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. قومس.
- امامزاده فرد، پرویز (۱۳۸۹). کالبدشکافی سیاست، نشر فرهنگ شناسی، چاپ اول.
- ایزدی، رجب؛ نواختی مقدم، امین؛ خادم، نیلوفر (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای جایگاه زنان در سیاست، حکومت و دیوانسالاری ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی در دوره پیش و پس از انقلاب اسلامی. دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. نشر نی.
- برومند، نادر (۱۳۸۳). گام به گام به سوی مدیریت مشارکت‌جو، انتشارات ارکان، چاپ اول.
- پهلوانی راد، علیرضا؛ ازدری، بهناز و حسنی باقری، مهدی (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناسی رفتار سیاسی با فرهنگ سیاسی مشارکتی بعد از انقلاب اسلامی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۴ (۲)، ۲۵۲-۲۳۳.
- درخشه، جلال و جعفرپور، رشید (۱۳۸۸). مدیریت بحران‌های هویتی در ایران. رهیافت انقلاب اسلامی، ۳ (۱۰)، ۷۶-۵۵.
- دیلمی معزی، امین (۱۳۹۱). زمینه‌های جامعه‌شناختی و تاریخی انقلاب اسلامی. سپهر اندیشه.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران. دانشگاه مازندران.
- ریاضی، وحید و سام دلیری، کاظم (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی سیاسی؛ عوامل فردی، روان‌شناختی شکل‌گیری نگرش سیاسی در انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲ (۸)، ۱۰۵-۱۲۲.
- سمتی، محمدهادی (۱۳۷۵). نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۵، ۳۰-۱۰.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۵). نوسازی و دگرگونی سیاسی، نشر قومس، چاپ سوم.
- شیاری، علی و شکری، علی (۱۴۰۱). بررسی جامعه‌شناسی سیاسی نقش مشارکت سیاسی در فهم دموکراسی مدرن بعد از انقلاب اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، ۳ (۳)، ۶۶-۴۵.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی، مهندسی اجتماعی و انقلاب. پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۷۲). بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی (با نگاهی به روند جامعه‌پذیری سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی). دانشگاه امام صادق علیه السلام.

معین‌الدینی، جواد(۱۳۹۳). جامعه‌شناسی انقلاب: با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان.

نجاتی‌حسینی، سیدمحمود و کوثری، مسعود(۱۳۸۷). انقلاب اسلامی، جامعه و دولت (مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران). انتشارات کویر.

نظری، حسن؛ سیف‌اللهی، سیف‌الله و سرایی، حسن(۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی گفتار هویت سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۳(۳)، ۵۳-۷۲.

نوری، عباس؛ مرشدی زاد، علی(۱۳۹۷). چالش‌های سیاسی خارجی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره). پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۸(۲۶)، ۲۴۵-۲۶۶.

Abbott, Andrew.(2001). Time matters: On theory and method. University of Chicago Press.

Almond, Gabriel A., & Verba, Sidney.(1963). The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations. Princeton University Press.

Bozeman, Barry., & Pandey, Sanjay K.(2004). Public management decision making: Effects of decision content, decision-making process, and decision context. Public Administration Review, 64(5), 553-565.

Foran, John.(1994). Fragile resistance: Social transformations in Iran from 1500 to the revolution. Westview Press.

Huntington, Samuel P.(1968). Political order in changing societies. Yale University Press.

Huntington, Samuel P., & Nelson, Joan M.(1976). No easy choice: Political participation in developing countries. Harvard University Press.

Johnson, Chalmers.(1982). Revolutionary change. Stanford University Press.

Mahoney, James.(2004). Comparative-historical methodology. Annual Review of Sociology, 30(1), 81-101.

Mahoney, James., & Rueschemeyer, Dietrich. (Eds.).(2003). Comparative historical analysis in the social sciences. Cambridge University Press.

McAdam, D., Tarrow, S., & Tilly, C.(2001). Dynamics of Contention. Cambridge University Press.

Norris, Pippa.(2001). Digital divide: Civic engagement, information poverty, and the Internet worldwide. Cambridge University Press.

Skocpol, Theda.(1979). States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia, and China. Cambridge University Press.

Tilly, Charles.(2004). Social Movements, 1768–2004. Paradigm Publishers.

Tilly, Charles.(1978). From mobilization to revolution. McGraw-Hill.

Tosh, John.(2015). The pursuit of history: Aims, methods, and new directions in the study of history (6th ed.). Routledge.

Verba, Sidney., & Nie, Norman H.(1972). Participation in America: Political democracy and social equality. University of Chicago Press.